انتشار مرقومه رهبر شهید در تجلیل از جشنواره عمار

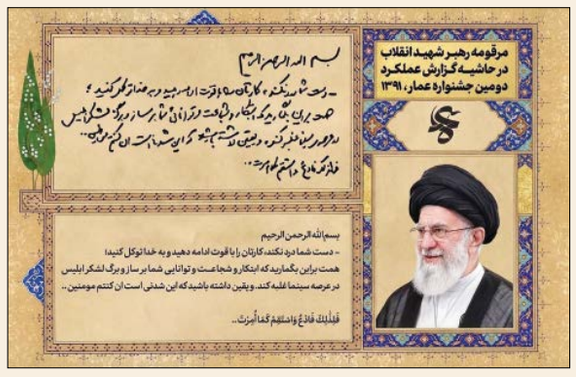

مرقومه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، خطاب به دست‌اندرکاران جشنواره مردمی فیلم عمار که در سال ۱۳۹۱ صادر شده بود، برای نخستین بار منتشر شد.

رهبر شهید انقلاب در این مرقومه، ضمن قدردانی از فعالیت دست‌اندرکاران جشنواره عمار، بر ادامه این مسیر با قوت و توکل به خدا تأکید کرده و ابتکار، شجاعت و توانایی فعالان این عرصه را راه غلبه بر ساز و برگ جبهه ابلیس در عرصه سینما دانسته‌اند. متن کامل مرقومه ایشان در سال ۱۳۹۱ به شرح ذیل است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

دست شما درد نکند، کارتان را با قوت ادامه دهید و به خدا توکل کنید؛ همت براین بگمارید که ابتکار و شجاعت و توانایی شما بر ساز و برگ لشکر ابلیس در عرصه سینما غلبه کند. و یقین داشته باشید که این شدنی است ان کنتم مومنین...

فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...»

خبر

رئیس جمهور:

وحدت را حفظ کنیم بر مشکلات غلبه می‌کنیم

رئیس جمهور در نشست هم‌اندیشی با جمعی از وعاظ و روحانیون با محوریت بررسی مسائل جاری کشور، از جمله مدیریت بهینه سوخت و انرژی، ترویج فرهنگ همدلی و بهره‌گیری از ظرفیت مساجد و محله‌محوری، ضمن ادای احترام به روح بنیانگذار انقلاب اسلامی، رهبر شهید و تمامی شهدای انقلاب اسلامی، بهبود معیشت، ارتقای سطح زندگی و برقراری عدالت را از اولویت‌های اصلی دولت برشمرد و اظهار داشت: در سوره‌های ماعون و بلد و دیگر آیات قرآن، بر ساماندهی وضعیت فقرا، یتیمان و مسکینان تأکید شده است. دکتر مسعود پزشکیان افزود: من به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی، در برابر معیشت، زندگی و عدالت در جامعه مسئولیتی انکارناپذیر بر دوش دارم و نمی‌توان در حالی که با کاستی‌ها و مشکلات مواجه هستیم، کشوری مقتدر باشیم. با تأکید بر جایگاه روحانیون در تقویت انسجام اجتماعی و همراهی مردم با برنامه‌های اصلاحی، خواستار بهره‌گیری از ظرفیت مساجد و محلات برای بهبود شرایط معیشتی، مدیریت مصرف انرژی و حل مسائل اجتماعی شد و بر تشکیل کارگروهی مشورتی متشکل از وعاظ و روحانیون برای همکاری با دولت تأکید کرد.

سپاه بیستمین پهپاد MQ-1 آمریکایی را در تنگه هرمز زد

رزمندگان پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با بهره‌گیری از سامانه نوین و پیشرفته پدافند هوایی سپاه، موفق شدند بیستمین فرند پهپاد پیشرفته شناسایی - رزمی MQ-۱ آمریکایی، از نسخه برد افزوده (Extended Range ER) را در شرق تنگه هرمز با آتش دقیق و مؤثر رهگیری و منهدم کنند.

ستاد ساماندهی فضای مجازی دولت در مسیر انحلال

خبرگزاری فارس در گزارشی اعلام کرد ستادی که دولت برای ساماندهی فضای مجازی تشکیل داده بود، به‌دلیل ایرادات حقوقی و شرعی و شکایت ۱۰ شخص حقیقی به دیوان عدالت اداری، در مسیر انحلال قرار گرفت. این پرونده در دو بخش قانونی و شرعی مورد بررسی قرار گرفته و قرار است رأی نهایی پس از برگزاری جلسه هیأت عمومی دیوان اعلام شود. براساس گزارش این خبرگزاری، جمع‌بندی صورت‌گرفته به انحلال این شورای موازی منجر خواهد شد. این ستاد اردیبهشت‌ماه سال جاری با مصوبه دولت و به ریاست محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، تشکیل شد. هدف اعلام‌شده از ایجاد این مجموعه، ایجاد هماهنگی و انسجام در مدیریت فضای مجازی کشور بود؛ با این حال، تشکیل آن از همان ابتدا با انتقاداتی درباره مبنای قانونی، حدود اختیارات و احتمال موازی‌کاری با نهادهای موجود همراه شد.

توضیحات مرکز رسانه مجلس درباره تعطیلی صحن علنی دیروز

مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی در اطلاعیه‌ای، توضیحاتی درباره برگزار نشدن جلسه علنی امروز یکشنبه اول آذرماه ۱۴۰۵ ارائه کرد.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است: امروز یکشنبه اول آذر ماه ۱۴۰۵ براساس برنامه از پیش اعلام‌شده، مقرر بود جلسه علنی مجلس شورای اسلامی از ساعت ۸:۳۰ صبح و با دستور کار اعلام‌شده آغاز شود. با این حال، پیش از آغاز رسمی جلسه، حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده مردم شریف تهران، ری، شمیرانات، اسلام‌شهر و پردیس، به همراه چند نفر از نمایندگان در محل برگزاری جلسه حاضر شدند و نسبت به مسدود بودن دسترسی تبلت وی برای شرکت برخط (وبیناری) در جلسات علنی مجلس اعتراض کردند که بسته بودن دسترسی تبلت، عدم پایان دوره محکومیت قضایی و سپری شدن دوره مرخصی ایشان عنوان شده است. در ادامه، نمایندگان معترض اعلام کردند در صورت برگزاری جلسه علنی بدون برقراری دسترسی حجت‌الاسلام رسایی به تبلت، اعتراض خود را در صحن مجلس ادامه خواهند داد. این اعتراض‌ها و تلاش‌ها برای حل موضوع حدود یک ساعت و نیم ادامه یافت. در نهایت، هیأت رئیسه مجلس پس از تلاش برای مدیریت شرایط و آرام‌سازی فضای جلسه، با توجه به تداوم اعتراض‌ها و فراهم نبودن شرایط لازم برای آغاز و اداره جلسه، براساس ماده ۱۰۴ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تشخیص داد جلسه علنی و برخط امروز برگزار نشود.

پایان عصر تهدید بدون هزینه

قالیباف: بازدارندگی پایدار، تنها راه دور کردن تهدیدها و پایان دادن به سایه جنگ است

سرلشکر رضایی: جهان تغییر کرده و آمریکای ۲۰۲۶ به یک کشور شکست خورده تبدیل شده است



حمله موشکی و پهپادی ایران به مواضع نظامی آمریکا در بحرین در شامگاه شنبه، بار دیگر نشان داد که گسترش حضور نظامی واشنگتن در منطقه نه‌تنها تضمینی برای امنیت نیروهای این کشور ایجاد نکرده، بلکه به افزایش آسیب‌پذیری شبکه پایگاه‌های آن در برابر توان عملیاتی جمهوری اسلامی ایران انجامیده است. در جریان این عملیات، مواضع نظامی آمریکا در پایگاه‌های بحرین هدف حملات نیروی هوافضای سپاه پاسداران قرار گرفت. روابط عمومی سپاه با اعلام این خبر تأکید کرد که عملیات‌های پرهزینه اسکورت و پوشش هوایی ارتش آمریکا در منطقه از بامداد شنبه، نه‌تنها به اهداف موردنظر واشنگتن نرسیده، بلکه خسارات قابل‌توجهی به تجهیزات و شناورهای تحت پوشش این کشور در دریا و آسمان وارد کرده است. در ادامه این تحولات و در پی نقض حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران توسط دو فروند پهپاد شناسایی - رزمی ام‌کیو-۱ و ام‌کیو-۹ ارتش آمریکا، مواضع نظامی این کشور در پایگاه‌های مذکور نیز هدف عملیات نیروی هوافضای سپاه قرار گرفتند. هدف قرار گرفتن مراکز نظامی آمریکا در بحرین، در کنار ناکامی عملیات‌های اسکورت و پوشش هوایی این کشور، بار دیگر محدودیت‌های راهبرد نظامی واشنگتن در مواجهه با توان موشکی و پهپادی ایران را آشکار کرده است.

هم‌زمان با این تحولات میدانی، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تجربه رویارویی‌های نظامی اخیر، بر ضرورت عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و تثبیت بازدارندگی پایدار تأکید کرد. او معتقد است جمهوری اسلامی ایران باید از شرایطی که در آن دشمن بدون پرداخت هزینه واقعی، امکان تداوم تهدید و فشار نظامی را برای خود محفوظ نگه می‌دارد، عبور کند. بر اساس تاکید قالیباف، مجموعه تحولات نظامی اخیر و عملکرد نیروهای مسلح نشان داده ایران به مرحله‌ای از توان بازدارندگی رسیده که محاسبات دشمن برای آغاز مجدد جنگ را با محدودیت جدی مواجه کرده است. بنابراین، مسأله اصلی در شرایط کنونی، تبدیل این دستاوردها به یک وضعیت پایدار امنیتی است؛ وضعیتی که امکان تکرار تجاوز نظامی را از طرف مقابل سلب کند.

در همین چارچوب، محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان نیز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، به ابعاد فراتر از نظامی تحولات اخیر و تغییر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل پرداخت. او با مقایسه جایگاه ایران و آمریکا در سال ۲۰۲۶ با دوران کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ و کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵ نوشت: «ایران ۲۰۲۶، ایران ۱۹۴۳ کنفرانس تهران و ۱۹۴۵ کنفرانس یالتا نیست؛ همان‌طور که آمریکای ۲۰۲۶ آمریکای آن دوران نیست و به یک کشور شکست‌خورده و نه فاتح در جنگ تبدیل شده است! جهان تغییر کرده است؛ با عکس‌های کهنه نمی‌توان نظم فعلی را به گذشته بازگرداند!» این موضع، درواقع بر دگرگونی ساختار قدرت جهانی و پایان اعتبار الگوهای قدیمی سلطه و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت ملت‌ها تأکید دارد؛ الگویی که در آن قدرت‌های بزرگ خود را صاحب اختیار تعیین نظم سیاسی و امنیتی جهان می‌دانستند.

مجموع این تحولات میدانی و مواضع سیاسی نشان می‌دهد که راهبرد ایران در شرایط کنونی، محدود به پاسخ به تجاوزات نظامی و دفع تهدیدهای مقطعی متمرکز نیست، بلکه هدفی فراتر، یعنی تثبیت یک معادله جدید بازدارندگی در سطح منطقه‌ای و به چالش کشیدن مبانی نظم امنیتی مورد نظر آمریکا را دنبال می‌کند. از یک‌سو، تجربه رویارویی‌های اخیر ضرورت عبور از وضعیت فرسایشی نه جنگ، نه صلح و پایان دادن به امکان تهدید نظامی بدون پرداخت هزینه را برجسته کرده و از سوی دیگر، تحولات ساختار قدرت جهانی نشان می‌دهد که الگوهای سنتی سلطه و موازنه‌سازی دیگر از اعتبار و کارآمدی گذشته برخوردار نیستند. بر این اساس، بررسی تحولات اخیر را باید در دو سطح به‌هم پیوسته دنبال کرد: تغییر معادله بازدارندگی نظامی در غرب آسیا و دگرگونی موازنه قدرت در نظم بین‌المللی؛ دو روندی که در کنار یکدیگر، زمینه شکل‌گیری معادلات امنیتی متفاوتی را فراهم می‌کنند.

پایگاه‌های آمریکا زیر ضرب بازدارندگی ایران

تغییر معادله بازدارندگی در غرب آسیا را نمی‌توان هم‌زمان با شمار موشک‌ها و پهپادهای شلیک‌شده یا میزان خسارت‌های واردشده به اهداف نظامی سنجید. معیار اصلی، تغییری است که در محاسبات راهبردی طرف مقابل ایجاد می‌شود؛ به این معنا که آیا آمریکا همچنان می‌تواند از تهدید نظامی و استقرار گسترده نیروهای خود در منطقه، بدون پذیرش هزینه‌ای متناسب استفاده کند یا نه. تجربه رویارویی اخیر نشان داده که شبکه پایگاه‌های نظامی آمریکا، با وجود برخورداری از تجهیزات پیشرفته و سامانه‌های دفاعی، در برابر راهبرد عملیاتی ایران نه‌تنها مصونیت ندارد، بلکه مورد آماج حملات موشکی پهپادی ایران قرار گرفته است. گزارش تحلیلی آسوشیتدپرس در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، با بررسی تصاویر ماهواره‌ای و اطلاعات منتشرشده از وضعیت پایگاه‌های آمریکا در منطقه، نشان داد که بخش مهمی از حملات ایران بر سامانه‌های راداری و هشدار زودهنگام متمرکز بوده و در ادامه، آشیانه‌ها، ساختمان‌ها و تجهیزات پشتیبانی نیز هدف قرار گرفته‌اند. براساس این گزارش، بیش از ۱۲ پایگاه آمریکایی در منطقه با درجاتی از آسیب روبه‌رو شده‌اند. اهمیت این رویکرد در آن است که قدرت نظامی مدرن تنها به شمار هواپیماها و موشک‌ها وابسته نیست؛ بلکه زنجیره‌ای از کشف، شناسایی، ارتباطات، فرماندهی، رهگیری و پشتیبانی، امکان استفاده مؤثر از این تجهیزات را فراهم می‌کند. اختلال در هر حلقه از این زنجیره می‌تواند کارآمدی مجموعه را کاهش دهد.

پایگاه دریایی آمریکا در بحرین نیز نمونه‌ای از همین آسیب‌پذیری است. گزارش سرویس پژوهشی کنگره آمریکا در سپتامبر ۲۰۲۶، از وارد آمدن خسارت به ساختمان فرماندهی، تجهیزات ارتباطات ماهواره‌ای، انبارها و دیگر تأسیسات این مجموعه خبر داده و برآورد اولیه خسارت‌ها را دست‌کم ۴۰۰ میلیون دلار اعلام کرده است. این آسیب‌ها تنها به معنای تخریب چند ساختمان یا تجهیزات نظامی نیست؛ بحرین محل استقرار بخش مهمی از ساختار فرماندهی و پشتیبانی ناوگان پنجم آمریکاست و هرگونه اختلال در آن می‌تواند بر توان لجستیکی و استمرار عملیات واشنگتن در منطقه اثر بگذارد.

از سوی دیگر، گسترش شبکه پایگاه‌های آمریکا در کشورهای عربی خلیج‌فارس که طی دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین ابزارهای تثبیت برتری نظامی واشنگتن محسوب می‌شد، اکنون به یک نقطه آسیب‌پذیر تبدیل شده است. رویترز در تحلیلی در دوم نوامبر ۲۰۲۶ به این تناقض اشاره کرد که تأسیسات نظامی آمریکا، با وجود کارکرد بازدارنده‌ای که برای کشورهای میزبان تعریف شده بود، در شرایط جنگی می‌توانند به اهداف مستقیم حملات ایران تبدیل شوند. در چنین وضعیتی، دولت‌های منطقه ناچارند هزینه میزبانی از نیروهای آمریکایی و پیامدهای امنیتی آن را دوباره محاسبه کنند.

البته پدافند هوایی کشورهای منطقه و رهگیری بخشی از موشک‌ها و پهپادها را نمی‌توان نادیده گرفت اما مسأله اصلی، تداوم این وضعیت و هزینه‌ای است که برای حفظ آن پرداخت می‌شود. رهگیری هر حمله مستلزم آماده‌باش مستمر، مصرف مهمات و اختصاص منابع مالی و عملیاتی است؛ درحالی‌که طرف مهاجم می‌تواند با تکیه بر ابزارهای متنوع و کم‌هزینه‌تر، فشار را ادامه دهد. بنابراین، بازدارندگی ایران تنها در اصابت به اهداف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در تحمیل هزینه‌های نظامی و اقتصادی، محدود کردن آزادی عمل آمریکا و تغییر محاسبات کشورهای میزبان پایگاه‌های آن معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل، عبور از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» زمانی محقق می‌شود که تهدید نظامی علیه ایران دیگر گزینه‌ای کم‌هزینه و قابل تکرار برای واشنگتن نباشد.

جهان با ژست‌های گذشته اداره نمی‌شود

تحولات نظامی غرب آسیا در خلأ ژئوپلیتیکی رخ نمی‌دهد و بخشی از روند گسترده‌تری است که در آن، نظم بین‌المللی برآمده از پایان جنگ سرد با چالش‌های جدی مواجه شده است. کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ و نشست یالتا در سال ۱۹۴۵، نماد دورانی بودند که چند قدرت بزرگ درباره معماری سیاسی و امنیتی جهان تصمیم می‌گرفتند و بسیاری از کشورها، ازجمله ایران در دوره رژیم سرسپرده پهلوی، امکان اثرگذاری مستقل بر این تصمیم‌ها را نداشتند اما ساختار قدرت در جهان امروز با آن دوره تفاوت اساسی دارد. تحولات شکل گرفته در جهان پس از انقلاب اسلامی و رویدادهای سالهای اخیر بویژه ظهور قدرت‌های جدید، افزایش نقش بازیگران منطقه‌ای، گسترش پیوندهای اقتصادی خارج از مدار غرب و فرسایش توان آمریکا برای تحمیل یکجانبه اراده خود، فضای بین‌المللی متفاوتی ایجاد کرده است. شورای روابط خارجی اروپا در گزارشی در فوریه ۲۰۲۶، با بررسی نقش قدرت‌های میانی در شکل‌گیری نظم جدید، تأکید کرده که الگوی مسلط پس از جنگ سرد در حال فرسایش است و کشورهایی که پیش‌تر در حاشیه تصمیم‌گیری‌های جهانی قرار داشتند، اکنون برای افزایش استقلال راهبردی و گسترش نفوذ خود فرصت بیشتری پیدا کرده‌اند.

جنگ اخیر علیه ایران نیز از همین منظر اهمیت دارد. واشنگتن و تل‌آویو با اتکا به برتری نظامی و فناوری خود، در پی آن بودند که با اعمال فشار نظامی، معادلات امنیتی منطقه را به سود خود تغییر دهند اما استمرار مقاومت ایران و توانایی این کشور برای اثرگذاری بر محیط امنیتی پیرامون خود، نشان داد که برتری تسلیحاتی لزوما به معنای دستیابی به اهداف سیاسی و راهبردی نیست. تحلیل منتشرشده از سوی مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در سپتامبر ۲۰۲۶ نیز این احتمال را مطرح می‌کند که جنگ علیه ایران، به‌جای تثبیت موقعیت آمریکا، در بلندمدت نفوذ واشنگتن در خاورمیانه را با محدودیت بیشتری مواجه کند. چتم‌هاوس نیز در ارزیابی خود از آینده خلیج‌فارس، به احتمال بازنگری کشورهای منطقه در ترتیبات امنیتی و کاهش اتکای مطلق به چتر نظامی آمریکا اشاره کرده است.

در چنین شرایطی، اهمیت راهبرد ایران تنها در توانایی مقابله با تهدید نظامی خلاصه نمی‌شود؛ مسأله اساسی، تبدیل این ظرفیت به قدرتی پایدار در معادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه است. هرچه کشورهای منطقه بیشتر به این جمع‌بندی برسند که امنیت آنها نمی‌تواند هم‌زمان بر حضور نیروهای فرامنطقه‌ای متکی باشد، زمینه برای شکل‌گیری ترتیبات امنیتی مستقل و مشارکت مؤثرتر قدرت‌های منطقه‌ای افزایش می‌یابد. این تحول می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی، ترانزیتی و امنیتی ایران با همسایگان فراهم کند و جایگاه تهران را در معادلات آینده ارتقا دهد.

بنابراین، پیام اصلی تحولات کنونی آن است که جهان در سال ۲۰۲۶ را نمی‌توان با قواعد و مناسبات سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۵ اداره کرد. ایران امروز نه موضوع تصمیم‌گیری قدرت‌های بزرگ، بلکه بازیگری است که می‌کوشد با اتکا به توان ملی و موقعیت ژئوپلیتیکی خود، در شکل‌گیری معادلات جدید نقش داشته باشد. بازدارندگی نظامی، در این چارچوب، ابزاری برای دفع تهدید نیست؛ بخشی از ظرفیت راهبردی ایران برای تثبیت جایگاه مستقل خود در نظم نوپای جهانی و در حال شکل‌گیری است.

یادداشت

حسام‌الدین برومند | کارشناس مسائل سیاسی

ارزش‌های آمریکایی و دیوان کیفری بین‌المللی!

صحنه قدرت در روابط بین‌الملل، صحنه به رخ کشیدن توانایی‌ها و ظرفیت‌ها از سوی کشورهاست تا هرکدام به نوعی تصویری از خودشان بسازند که برای دیگران قابل تأمل باشد و هرچه قدرت در ابعاد مادی و غیرمادی عیان و نمایان شود می‌تواند یک کشور قدرتمند را به جایگاه ابرقدرتی برساند. آمریکایی‌ها در جریان قدرت در روابط بین‌الملل از پس از جنگ جهانی دوم به نقطه عطفی رسیدند که خود را یک «ابرقدرت» معرفی کردند. در قریب به چهار دهه اخیر و پس از فروپاشی شوروی، یک «نظم تک قطبی» بر جهان حاکم شد و آمریکا خود را یک «قدرت هژمون» مطرح کرد. قدرت هژمون، قدرتی است که بر همه ابعاد قدرت سیطره دارد و لزوما فقط به ابعاد مادی قدرت محدود نمی‌شود. بلکه یک ابرقدرت جهانی در نظام تک قطبی علاوه بر یکه تازی در مسائل نظامی، تسلیحاتی، اقتصادی و مالی، در موضوعات فرهنگ و گفتمان و جنگ نرم نیز قدرتی ویژه دارد و مجموع این شرایط او را در افکار عمومی جهانی، یک ابرقدرت بی‌رقیب ساخته است. از همین رو؛ آمریکایی‌ها از مقوله‌ای به نام «ارزش‌های آمریکایی» یاد می‌کنند تا جا بیندازند که آمریکا یک زیست قدرت در سیاست بین‌الملل است. منظور از ارزش‌های آمریکایی، موضوعاتی چون دموکراسی، آزادی، صلح، حقوق بشر، اقتصاد آزاد، و ... است که اینها به اصطلاح قوام بخش قدرت آمریکاست و این کشور را در قله قدرت و جایگاه هژمون قرار داده است.

اما اکنون دنیا شاهد یک اتفاق بزرگ است و آن افتادن نقاب آمریکا از آنچه است که پیش از این از «ارزش‌های آمریکایی» می‌گفت و یک زیست سیاسی قدرتمند از خود ساخته بود.

آمریکایی که مدعی دموکراسی و حقوق بشر و صلح و مقابله با به اصطلاح تروریسم بود اکنون یک شیفت پارادایمیک رقم زده است و رئیس جمهور این کشور آشکارا به جای دموکراسی از پادشاهی خودش می‌گوید. به جای صلح به جنگ روی آورده است. فاتحه حقوق بشر را خوانده است و بدون لکنت زبان و در وقاحت کامل، از نسل‌کشی و جنایت نتانیاهو و رژیم صهیونی دفاع می‌کند. ارزش‌های آمریکایی اکنون در «پارادایم تغییر» عبارت است از دزدی و غارت دریایی، تصاحب نفت و منابع انرژی کشورها، دزدیدن مقام رسمی یک کشور، شریک شدن در جنایات و نسل‌کشی صهیونیست‌ها، حمله به نهادهای حقوقی بین‌المللی، تحریم قضات بین‌المللی و...

این که ترامپ در تمام ماه‌های گذشته اصرار دارد دیوان کیفری بین‌المللی را مورد فشار و ضربه قرار دهد و مدام این نهاد حقوقی بین‌المللی را تهدید می‌کند برای این است که آمریکا مدت‌هاست در علن و آشکار به قانون جنگل روی آورده است و نمی‌خواهد اسم و رسمی از دیوان کیفری بین‌المللی باقی بماند.

درست است که دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به چهار جرم «جنایت جنگی»، «جنایت علیه بشریت»، «نسل‌کشی» و «تجاوز» را برعهده دارد که ۱۲۴ کشور عضو این دیوان کیفری بین‌المللی هستند و آمریکا عضو این دیوان نیست ولی مسأله آمریکا، مسأله رژیم صهیونی است که همین دیوان از قضا حکم بازداشت نتانیاهو و وزیر دفاع سابق آن، یوآو گالانت را صادر کرده است.

چهره واقعی آمریکا و ارزش‌های آمریکایی امروز در کلکسیون جنایات رژیم صهیونی دیده می‌شود و امروز رژیم صهیونی منفور دنیاست و قطعا آمریکا دیگر نمی‌تواند گفتمان دموکراسی و حقوق بشر را پرچمداری کند و ابعاد مهمی از قدرت‌سازی خود در صحنه روابط بین‌الملل را از دست داده است. اینها بخشی از ضربه‌های راهبردی ترامپ به آمریکایی است که البته ذات آن همین بوده و اکنون عریان و عیان شده است.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

درگذشت گلشنی تولد نوری نو

در حال نوشتن مطلب حاضر، به رسم گرامیداشت استاد منادی توحید در ساحت علم، دلباخته خدا و اهل بیت دکتر مهدی گلشنی بودم که همسرم تلویزیون را روشن کرد تا سمت خدا را ببیند و بشنود، صدای حجت‌الاسلام دکتر رفیعی به گوشم رسید در ارتباط با حضرت ام البنین سلام‌الله علیها صحبت می‌کردند اشاره‌ای به ایثار، ادب، صبر و شجاعت بانویی داشت که روایت شده حضرت عباس شجاعت و شمشیر زنی را همراه ادب و دیگر فضایل، جز پدر، از آن مادر آموخت. با این همه آن بانوی بزرگوار چنان ناشناخته است که همچون هوا، یا رایحه گلی نهان در باد، با منشایی دور از چشم اما باور دارم او از پیش برای علی و یاری ولایت الهی، آفریده شده بود. آفریده شده بود برای زایش دودست برای یاری حسین جانش، که تا امروز آن دو دست قطع شده، توانا و گشاده دست در یاری سید الشهداست. آفریده شده بود برای زایش العبدالصالح، المطیع‌لله، عبدی برای اطاعت از ولی‌الله ابا عبدالله صلوات‌الله علیه. این پهلوان برای جنگیدن پرورده شده بود اما همین بس از آزمون شگفت الهی در اخلاصش که نجنگیده شهید شد برای رساندن آبی به تشنگانی بیگناه و تا قیامت در جهاد پیروز عاشورای حسینی در حال تاب‌آوری و جنگ بی‌پایان است با کفر و ظلمات و نومیدی و باب‌الحوائج تابناک است، سلام خدا بر او باد.

حضرت ام‌البنین شاعر، نماد تاب‌آوری و صداقت، دامان پاک و پیروزمند پرورش یار ولایت، و بنده‌ای چنان با ظرفیت بی‌پایان عشق و معرفت به حضرت فاطمه (سلام وصلوات خدا بر آن نور علی نور) بود که اولاد معصوم علی بن ابیطالب او را در جایگاه مادر پذیرفتند. بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا سلام‌الله علیها با سربه دامان گرفتن حضرت عباس و پذیرشش به‌نام پسر خود، در حقیقت ضمنا بر مادری حضرت ام‌البنین برای دو پسر و دو دخترش گواهی داد و حضرت زینب علیها السلام در بازگشت از شام، وقتی خواستند او را به منزل همسر ببرند، فرمود به خانه مادرم ام‌البنین می‌روم. ام‌البنین برای مادری حسین و پرورش برادر وفادارش عباس آفریده شده بود. نمی‌دانم شاید مرحوم دکتر گلشنی ارادت ویژه‌ای به بانوی بزرگوار داشت که این سخن در ایام سوگش با یاد حضرت ام‌البنین در آمیخته شده است. به‌ویژه مصادف شدن این جهاد علمی توحیدی دکتر گلشنی، با روز بسیج برکات معناداری در دل دارد. هم بسیج یک تجلی ام‌البنینی و ابوالفضلی است هم تاب‌آوری و استقامت دکتر گلشنی با همه تخریب سیستم دانشگاهی فشل و خرافه آلود و متحجر غربگرا و ادامه نظام تقلیدی و ضد توحیدی مدرن گرا، یک جهاد و مقاومت نقادانه بسیجی علیه نظام بوروکراتیک و بی‌انگیزه و خودباخته علم اکادمیک و فاقد قدرت تفکر خلاق بوده است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید